عنوان مقاله: فرهنگ لغات دخیل

احباب جمع حیب(-)دوستان‏ احبا جمع«« احرار جمع حر(-)آزادگان‏ احشام جمع حشم(-)دام‏ها،گله‏های‏ دام.

احصائیه(-)آمار،شماره

احضار شدن(-)فرا خوانده شدن‏ احکام،جمع حکم(-)فرمانها، دستورها

احمق(-)کالیوه،گول،نادان، بیخرد،گاوریش،دنگ‏ احوال،جمع حال(-)چگونگی‏ها، سر گذشتها

احیانا(-)گاهی،گاهگاه،نابیوسا، نابگاه

اخاذی(-)تلکه،نر گدائی،اشتلم‏ کاری،پول زور بگیری

اخبار،جمع خیر(-)آگاهی‏ها، داستانها

اخبار(-)آگاهانیدن،آگاهی

اختصار(-)کوتاه کردن سخن،بسنده‏ کردن،کوتاهی

اختصاص دادن(-)ویژه کردن

اختصاص داشتن(-)ویژه بودن

اختصاص یافتن(-)ویژه شدن

اختصاصی(-)ویژه

اختلاس(-)ربودن،دزدیدن

اختلاط(-)آمیختگی،درهم شدن، آمیزه

اختلاف(-)ناهمآهنگی،فادوائی، (تفسیر کمبریج)

اختیار(-)بر گزیدن،گزینه،مخت، توانمندی

اخذ(-)گرفتن،ستدن،فراگرفتن‏ اخراج(-)بیرون کردن،بدر کردن‏ اخروی(-)آنجهانی

اخطار(-)آگاهاندن،یادآوری، آگاهی

اخلاص(-)پاکدلی،پاکمهری،بی- شیلگی،دل نمودگی

اخلاف،جمع خلق(-)جانشینان، باز پسینان

اخلاق،جمع خلق(-)خویها،خوی‏ اخلال(-)رخنه کردن،بهم زدن، کارشکنی،آشوبگری

اخلالگر(-)بر هم زن،رخنه گر،کار شکن،آشوبگر

اخوت(-)برادری

اخیار،جمع خیر(-)نیکان، بر گزیدگان

اخیر(-)پسین،باز پسین،وا پسین‏ اخیه(-)میخ آخور،جابند آخور ادا(-)ناز و کرشمه،شکلک درآوردن، خوی و رفتار

ادا شدن(-)پرداخته شدن

ادا کردن(-)پرداختن

ادات(-)دست افزار،واج(در اصطلاح‏ دستوری)

اداره(-) گرداندن،دیوان

ادامه دادن(-)کشش دادن،کش دادن، بدرازا کشاندن

ادامه یافتن(-)کشش یافتن،بدرازا کشیدن

ادب(-)فرهنگ و هنر،دانش،آزرم، پاس

ادبار(-)بدبختی،سیه روزی

ادب کردن(-)فرهیختن،پرورش دادن، فرهنگ بخشیدن

ادبیات،جمع ادبیه(-)دانش‏های‏ هنری

ادراک(-)دریافت

ادعا داشتن(-)خواهان بودن،وانمود کردن

ادعا کردن(-)وا خواستن،وانمود کردن

ادعا نامه(-)کیفر خواست

ادله،جمع دلیل(-)رهنمایه‏ها، پذیرانه‏ها

ادوات،جمع ادات(-)دست افزارها ادوار،جمع دور(-)گردش‏ها

ادویه،جمع دوا(-)داروها

ادیب(-)دانشمند،فرهنگی

اذعان کردن(-)خستو شدن،پذیرفتن‏ اذن دادن(-)دستوری دادن،روا شمردن

اذن گرفتن(-)دستور گرفتن

اذیت دادن(کردن)(-)آزار دادن، رنجه داشتن،شکنجه کردن